

پدران و پدري

مرکز آموزش مشارکتی
موسسه پژوهشی کودکان دنیا

www.ketab.ir

پدران و پدري
گردآوری: هنگامه بازرگانی
تهیه شده در موسسه پژوهشی کودکان دنیا
ناشر: انتشارات کارگاه کودک
ویراستار: هنگامه بازرگانی
تصویرسازی روی جلد: Jenny Meilivhoe
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۹۷۱-۷-۸
چاپ اول: ۱۳۹۹
قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
تلفن تماس: ۰۹۱۲۳۲۵۷۴۳۱
www.kargahkoodak.com



سروشنامه: بازرگانی، هنگامه، ۱۳۹۶-۱۳۹۹. / عنوان و نام پدیدآور: پدران و پدري /
گردآوری هنگامه بازرگانی: / [برای] مرکز آموزش مشارکتی موسسه پژوهشی کودکان
دنیا: / تهیه شده در موسسه پژوهشی کودکان دنیا. / مشخصات نشر: تهران: انتشارات
کارگاه کودک، ۱۳۹۸. / مشخصات ظاهری: ۷۲ ص. / فروست: مجموعه منابع مرکز
آموزش مشارکتی کودکان دنیا: ۱۲. / شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۹۷۱-۷-۸ : ۳۰۰۰۰ ریال /
وضعیت فهرست نویسی: فیبا / موضوع: پدري / موضوع: Fatherhood / موضوع:
پدري -- جنبه های روانشناسی / موضوع: Psychological aspects -- Fatherhood /
موضوع: پدر و کودک / موضوع: Father and child / موضوع: کودکان -- سرپرستی /
شناسه افزوده: موسسه پژوهشی کودکان دنیا / شناسه افزوده: موسسه پژوهشی
کودکان دنیا. مرکز آموزش مشارکتی / رده بندی کنگره: HQ۷۵۶ / رده بندی دیویی:
۵۷۶۹۷۲۱ / شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۶/۸۷۴۲

۷		- مقدمه پدران، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و کودکان
۱۳		- نقش مردان در زندگی کودکان نویسنده: جودیت. ال. ایواند
۴۵		- نقش‌های - در حال - پیرپدران نویسنده: ویم مونا سو
۵۵		- مردان در خانواده

پدافند، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و کودکان

- بیش از ۱۰۰ سازمان‌های مردم‌نهاد در کشور ما را مردان تشکیل می‌دهند،
- تمام وکلای کابینه، ما مرد هستند،
- ۹۸٪ مدیران شرکت‌های کشور ما را مردان تشکیل می‌دهند،
- ۹۹٪ قضات قوه قضائیه از مردان هستند،
- و بخش بزرگی از تاجران بازرگانان، رؤسای شرکت‌های عظیم تولیدی، تجاری از گروه مردان هستند...

چه خوش‌مان بیاید و چه نیاید، این آثارها واقعی است که باید به آن اعتراف کرد و واقعی‌ترین است که بخش بزرگی از تصمیم‌گیرندگان جامعه را مردان تشکیل می‌دهند. فراموش نکنیم مشکل مهم، تنها حضور مردان و یا عدم حضور آنان نیست. آن‌چه که مهم است نگاه یک جانبه‌ی مردانه‌ای است که این گروه از مسئولین و تاجران به برنامه‌های مراقبت از کودکان داشته باشند.

مردانی که در پست‌های کلیدی جامعه، نقشی دارند، به واسطه‌ی گرفتاری و مشغله‌ی کاری در جریان روند رشد کودکان خود نیستند. همه‌ی این مردان کودکان‌شان را دلیل گرفتاری و مشغله‌ی بیش از حد خود می‌دانند، و این موضوع سبب شده است که آن‌ها

از مسایل و مشکلات کودکان خود بی‌خبر باشند و ندانند که چه عواملی برای رشد بهینه‌ی کودکان مناسب است. طبیعی است زمانی که مسئولین و برنامه‌ریزان غافل از کودکان، به مرحله‌ی برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری می‌رسند، برای مسایل کلان کودکان در سطح ملی ایده‌ای ندارند. مسأله خیلی روشن است:

همه‌ی مسئولین و مدیران جامعه‌ی کودکان را دوست دارند و یا حداقل این‌که کودکان خود را دوست دارند، اما از آن‌جا که شناختی از نیازها و مسایل آن‌ها ندارند، در نهایت نمی‌توانند در لحظه‌های تصمیم‌گیری برای بهبود زندگی کودکان، مؤثر و مفید باشند. مسئولین و مدیران دولتی و چه خصوصی (در لحظه‌های تصمیم‌گیری در سطح ملی هیچ‌یک دیدگاهی برای بهتر شدن کیفیت زندگی کودکان ندارند. به همین دلیل است که سال‌ها مسایل کودکان خردسال تنها در حیطه‌ی بهداشت و تغذیه محدود شده است آن‌هم با اندکی توجه و باز به همین دلیل بسیار ساده، مسایلی چون رفاه، بازی، آموزش، بیمه، حمایت، شادکامی، مراقبت همه‌جانبه، رشد عاطفی و رشد اجتماعی کودکان در هیچ‌یک از برنامه‌های رسمی کشور جایگاهی ندارد. این‌گونه است که در سطح ملی با تأسف بسیار، هیچ دورنمایی نیز برای آینده‌ی بهتر کودکان نداریم. مردانه بودن مدیریت کشور عاملی شده است تا برنامه‌های اصولی و پایداری که می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت جامعه باشد دست فراموشی سپرده شود.

آیا هنوز زمان درک این مسأله که رشد و پیشرفت سالم هر جامعه‌ای در گرو پرداختن به کودکان است، فرا نرسیده است؟ و آیا درک آن خیلی دشوار است؟

همان طور که اشاره شد مشکل فقط حضور مردان در برنامه ریزی ها نیست. چرا که همان گروه اندک از مدیران زن نیز با نگاه مردانه به مسایل کودکان و خانواده نگاه می کنند. در حقیقت مشکل اصلی، فقدان شناخت جامعه‌ی ما در سطح برنامه ریزان نسبت به مسایل کودکان است.

نقشی که مردان در زندگی خانوادگی به عهده گرفته اند، تحت تأثیر سیاست است. است که به شکل رسمی و یا غیررسمی در جامعه‌ی اعمال می شود. الگوی مصرف، نوع نگاه به زندگی خانوادگی، تعبیهایی که از امنیت اقتصادی داریم، توزیع منابع کشور، برنامه های حمایتی و... همگی در شکل گیری این نقش بسیار مؤثر هستند. اگر بپذیریم یکی از علت های عقب ماندن در خانواده، تأمین آینده‌ی فرزندان است پس طبیعی است که این گروه از پدران مجبور می شوند که در حیطه‌ی آگاهی خود دست به اقداماتی زنند.

حال پرسش این است که این حیطه‌ی آگاهی چیست؟ و این مرحله‌ی آگاهی تا چه اندازه براساس سیاست های ملی یک جامعه تنظیم شده است؟ و اقداماتی که صورت می گیرد تا به میزان مبتنی بر رشد یک جامعه است؟

آیا دست یابی به توسعه‌ی مالی برای یک خانواده به همتی درست است؟ آیا افراد برای تأمین مالی خانواده آن هم در یک نظام کلنگر، اجازه‌ی هر نوع فعالیت را می توانند داشته باشند؟ آیا می توان برای رسیدن به رفاه مالی بخش های دیگری از زندگی را نادیده گرفت؟ آیا مخدوش شدن الگوهای خانواده با هدف تأمین منابع مالی در نهایت به ضرر یک جامعه‌ی سالم نیست؟ آیا سیاست های مالی، غیبت و نقش پدران را در بنیان خانواده تأیید می کند؟